

تحوالات فرهنگی

فصل دوم



▲ موفقیت دانش آموزان ایرانی در پنجاه و ششمین دوره المپیاد جهانی ریاضی در شهر چیانگ مای تایلند



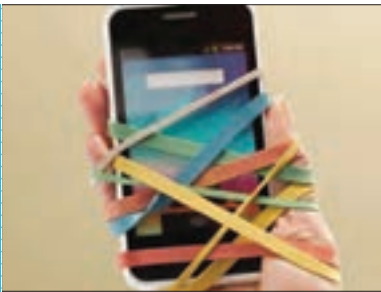
▲ اعزاز اولین محصلان ایرانی به فرنگ



اهداف فصل دوم

- در پایان فصل، انتظار می‌رود دانش‌آموز:
- ۱- علل و چرایی دگرگونی‌های فرهنگی را درک کند.
 - ۲- با تجزیه و تحلیل تغییر نمادها و الگوها، به ریشه‌های تحولات فرهنگی پی برده و آنها را تبیین نماید.
 - ۳- توانایی ادراک و تبیین تأخر فرهنگی جامعه را کسب نماید.
 - ۴- توانایی ارتباط فعال و آگاهانه با سایر فرهنگ‌ها را به دست آورد.
 - ۵- با امپریالیسم فرهنگی آشنا شده و نقش رسانه‌ها در گسترش سلطه فرهنگی را درک کند.
 - ۶- توانایی تشخیص و رویارویی فعال و هوشمندانه با تغییرات و تحولات فرهنگی را کسب نماید.





◆ فرهنگ، ثابت است یا متغیر؟

تغییر در فرهنگ چگونه اتفاق می‌افتد؟ آیا همه مؤلفه‌های فرهنگ تغییر می‌کنند؟ فرهنگ، به عنوان پدیده‌ای بشری و حاصل زندگی جمعی انسان‌ها، تجلی باورها، نگرش‌ها و کنش‌های افراد است که در پاسخ به نیازها و در شرایط خاص زمان و مکان، بروز پیدا می‌کند و با تغییر در نیازها و متناسب با آنها، فرهنگ نیز تغییر می‌کند. نیازهای انسان، به دو گروه به شرح زیر قابل تقسیم است:

الف) نیازهای ثابت: این نیازها به ذات انسان، فارغ از زمان، مکان و جنسیت او باز می‌گردد و بین همه انسان‌ها مشترک است و ریشه در فطرت انسانی دارد؛ مانند: عدالت‌خواهی، پرشگرمی، تعالی‌جویی، علم‌گرایی و زیبایی‌دوستی. انسان‌ها در طول تاریخ و در هر منطقه جغرافیایی و با هر جنسیت و نژاد، این ویژگی‌های مشترک را دارا بوده‌اند و هویت انسانی به این ویژگی‌ها وابسته است.

ب) نیازهای متغیر: این نیازها در انسان‌های مختلف، متناسب با جنسیت، قومیت، شرایط سنی، زمان و مکان، متفاوت است؛ هرچند نیازهای متغیر هم از اصول ثابت، تبعیت می‌کنند، لیکن متناسب با شرایط، و در هر فرد یا گروه، تجلی خاص خود را دارد؛ مانند مدل لباس و پوشش، نوع غذا و ابزارهای غذا خوردن و روش ساخت و ساز منزل مسکونی.



▲ رودکی



▲ مقبره حافظ در شیراز

نیازهای ثابت، نیازهای «توع» بشر و عموم انسان هاست و با گذشت زمان و تغییر مکان، متحول نمی شوند، این نیازها را نیازهای فطری می نامند. از نظر مکتب اسلام، گرایش به توحید و خداپرستی، عدالت خواهی، علم جویی و زیبایی شناسی، یک نیاز فطری است. همچنان که نیازهای انسان، ثابت و متغیرند، عناصر ثابت و متغیر دارند. هویت فرهنگی فرد و جامعه نیز از عناصر ثابت و متغیر تشکیل شده است. این امر، از جمله پیچیدگی های فرهنگ است که دو صفت یا دو ویژگی به ظاهر متناقض («ثبات» و «تغییر») را در خود جای داده است.

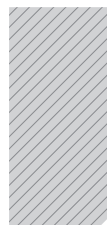
از یک سو، فرهنگ، «ثابت» به نظر می رسد، زیرا موارث فرهنگی در یک دوره طولانی و از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود و فرهنگ «گذشته» در زمان «حال» برای نسل «آینده» تداوم می یابد و اگر تغییری هم در آن صورت پذیرد، آرام و کند است و به سادگی قابل مشاهده و درک نیست. باورها و ارزش های اجتماعی در این گروه قرار دارند. این ویژگی ها، اکثراً ناظر به نیازهای فطری و ذاتی بشر هستند و گذشت زمان، تأثیری در ماهیت آنها نمی گذارد. مردم به راحتی و به آسانی باورها، ارزش ها و رفتارهای خود را تغییر نمی دهند؛ مانند عدالت خواهی که در طول زمان مورد توجه و درخواست همگان بوده است.

زبان و ادبیات فارسی، از صدها سال پیش تاکنون در ایران حاکم بوده و جوهر فرهنگ ایرانی را شکل داده است. تغییرات این زبان و مفاهیم بیان شده با آن، طی قرون متمادی، بسیار اندک و نامحسوس بوده است به گونه ای که افراد کم سواد و بی سواد هم، معنی و مفهوم اشعار شاعران سده های گذشته (مانند رودکی، ناصر خسرو، حافظ و مولوی) را می فهمند و با آن ارتباط برقرار می کنند.

اما از سوی دیگر، فرهنگ، «متغیر» است و در پاسخ به نیازهای زیستی، روانی و اجتماعی انسان و متناسب با دگرگونی شرایط و مقتضیات زمانی و مکانی تغییراتی در فرهنگ به وجود می‌آید؛ مثلاً نحوه طراحی و دوخت لباس، روش و وسایل مسافرت و سبک معماری در دوره قاجار، صفویه و زمان حاضر، غالباً با هم متفاوت است. این نوع تغییرات در لایه‌های بیرونی و سطحی فرهنگ اتفاق افتاده و برای همگان، قابل مشاهده است. به بیان دیگر، همچنان که هر انسان زنده، در طول زندگی خود، با تغییرات و تحولات مختلف روبه‌رو می‌شود، به تحولات محیط، واکنش نشان می‌دهد و در چارچوب هویت خویش، متناسب با شرایط، تصمیم‌گیری و رفتار می‌کند. هر جهان اجتماعی نیز، متناسب با اوضاع اقلیمی و اجتماعی خود، در برابر تحولات محیط، واکنش نشان می‌دهد و با حفظ ویژگی‌های ثابت خود، در چارچوب مبانی و منطبق با الگوی خاص فرهنگی خویش، به گونه‌ای عمل می‌کند که امکان بقا و ادامه حیات را، برای خود و نسل‌های آینده فراهم سازد. به همین دلیل، جهان‌های اجتماعی، مانند انسان، با وجود دارا بودن ویژگی‌ها و وجوه ثابت، تغییرات را می‌پذیرند و بر اساس آنها رفتار می‌کنند. چگونگی واکنش جهان‌های اجتماعی به تحولات محیطی، متفاوت است. برخی تند و سریع و برخی کند و با تأخیر، گروهی جامع و کلی، و گروهی جزئی و محدود از خود واکنش نشان می‌دهند، در نتیجه، هر جهان اجتماعی، از ویژگی فرهنگی خاص خود برخوردار است که جهان فرهنگی او را از دیگر جهان‌های فرهنگی متمایز می‌کند.

موضوع زیر را بررسی و تجزیه و تحلیل کرده و درباره آن در کلاس گفتگو کنید:

آیا از «روش زندگی» گذشتگان و یا نیاکان خود اطلاعی دارید؟ پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌های شما چگونه زندگی می‌کردند؟ مراسم ازدواج و عزاداری آنها چگونه برگزار می‌شد؟ آیا این مراسم، امروز هم، همان گونه برگزار می‌شود؟ چه عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی، «ثابت» مانده است و کدام یک «تغییر» کرده است؟



چستی دگرگونی‌های فرهنگی

«چه غذایی را بیشتر دوست دارید؟»

هر یک از شما دانش‌آموزان، این سؤال را، از سه گروه سنی زیر بپرسید و پاسخ‌ها را یادداشت کنید:

الف) پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها؛

ب) پدر و مادر خودتان؛

پ) برادران و خواهران کوچک‌تر، یا کودکان ۷-۶ ساله.

آیا پاسخ‌ها یکسان است؟ آیا هر سه گروه، که نماینده سه نسل هستند، یک نوع غذا را دوست دارند؟



همان‌طور که می‌دانید و پاسخ‌ها نشان می‌دهد، تا حدودی «ذائقه غذایی» این سه نسل تغییر کرده و با هم متفاوت است. پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها، بیشتر غذاهای سنتی را دوست دارند و از خوردن آنها لذت می‌برند، در حالی که برخی از فرزندان کوچک خانواده، به غذاهای آماده و فست‌فود، علاقه بیشتری نشان می‌دهند. علت چیست؟ چرا این تغییر «ذائقه غذایی» به وجود آمده است؟

آیا با تغییر نسل‌ها، «ذائقه فرهنگی» جامعه هم تغییر می‌کند؟ آیا «علاقه‌مندی‌ها و دوست‌داشتنی‌های مردم» در طول زمان دگرگون می‌شود؟ باید‌ها و نبایدهای زندگی آنها چگونه است؟

ما در عصر تحولات گسترده و شگرف زندگی می‌کنیم. این تغییرات، تمام تاروپود جهان مادی ما را در بر گرفته است. نمود تغییرات و تحولات، در ساخته‌های بشری و فناوری‌ها به خوبی مشهود است و با سرعت و گستردگی فراوان در حال انجام است. هر روز شاهد تغییر و تحول در مدل رایانه‌ها، تلفن‌های همراه، ماشین‌های سواری، نحوه ساخت‌وساز و معماری خانه‌ها، شهرها و شهرسازی‌ها، روش درمان بیماری‌ها و... هستیم. ما این تغییرات محسوس و مشهود را به خوبی درک می‌کنیم و در زندگی روزانه خود از آنها استفاده می‌کنیم و همپای این تغییرات، دگرگونی‌هایی را در زندگی فردی و جمعی خویش ایجاد می‌کنیم.

جهان‌های اجتماعی و جهان‌های فرهنگی نیز از قاعده «تغییر و تحول» پیروی می‌کنند و در عین وفاداری به مبانی و جنبه‌های ثابت خود، در حال حرکت و دگرگونی‌اند. تمام جوامع، چه به صورت آرام و نامحسوس و چه به صورت ناگهانی و محسوس، تغییرات را تجربه می‌کنند. در واقع، حیات فردی و اجتماعی آدمی، دستخوش



مجموعه‌ای از دگرگونی‌هاست که پیامدهای مثبت و منفی فراوانی به همراه دارد. این دگرگونی‌های فرهنگی، اجتناب‌ناپذیرند و به‌ویژه در عصر حاضر به‌صورت گسترده و با سرعت زیاد، جریان دارند. درک تغییرات و تحولات فرهنگی و تشخیص دگرگونی‌های مثبت و مفید، از تحولات منفی و آسیب‌زا، نیازمند تیزبینی و دقت نظر فراوان است و با تأمل در پدیده‌های فرهنگی حاصل می‌شود. انسان‌هایی که توانایی درک به موقع و زودهنگام تحولات را دارند، می‌توانند آنها را مدیریت کنند و برای تحقق اهداف خویش از آنها بهره‌گیرند. در مقابل، افرادی که توانایی دیدن و همپایی هوشمندانه و به‌موقع با این تغییرات را ندارند، معمولاً در زندگی روزمره با مشکل روبرو شده و دچار «تجگر» و «عقب‌ماندگی» می‌شوند.



▲ اجتماع مشترک مشروطه‌خواهان مسلح با علما در انقلاب مشروطه



تفاوت «تغییر فرهنگی» با «تحول فرهنگی» چیست؟

قبلاً آموختید که جهان فرهنگی را می‌توان به فرهنگ محسوس و فرهنگ غیر محسوس و ناملموس تقسیم کرد. همچنین آموختید که عناصر و لایه‌های فرهنگ، به چهار سطح: عقاید و باورها، ارزش‌ها، هنجارها و الگوها و نمادها تقسیم می‌شوند. دو سطح عقاید و ارزش‌ها، لایه‌های زیرین و بنیادین فرهنگ را شکل می‌دهند و هنجارها و نمادها، لایه‌های سطحی و بالایی فرهنگ‌اند.

دگرگونی در لایه‌های سطحی با عنوان «تغییر فرهنگی» و دگرگونی در لایه‌های زیرین با عنوان «تحول فرهنگی» نامیده می‌شود.



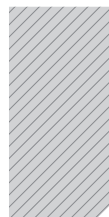
«تغییرات فرهنگی» شامل پدیده‌های مادی و ملموسی است که در کوتاه‌مدت اتفاق افتاده و قابل مشاهده است و هر فرد می‌تواند شاهد آنها باشد.

«تحولات فرهنگی»، دگرگونی در ریشه‌ها و مبانی است که در یک دوره زمانی طولانی، و شاید در فاصله چند نسل، در یک جامعه اتفاق می‌افتد، و آثار و پیامدهای پایدار و ماندگار برجای می‌گذارد. با نگاه

نظام‌مند و سیستمی، تغییر هر جزء از فرهنگ، در کوتاه‌مدت یا درازمدت، می‌تواند تمام عناصر سیستم را تغییر دهد. «تحولات فرهنگی»، علاوه بر دگرگونی در باورها و مفروضات اساسی، نمادها و هنجارها را نیز تغییر داده، و می‌تواند هویت جهان اجتماعی و جهان فرهنگی را دگرگون سازد. ممکن است هر «تغییر فرهنگی»، مفروضات و باورها و ریشه‌های هویتی جامعه را تغییر ندهد، اما هر «تحول فرهنگی»، الگوها و نمادها را دگرگون می‌کند.

«مسئله» زیر را بررسی و تجزیه و تحلیل کرده و درباره آن در کلاس گفتگو کنید:

ورود «تلفن همراه» به زندگی، کدام بخش از زندگی ما را تغییر داده است؟ آیا در سطح فرهنگ محسوس و ملموس تأثیر گذاشته است یا فرهنگ غیرمحسوس و ناملموس را هم متأثر کرده است؟ آیا زمینه‌ساز «تغییر فرهنگی» است یا «تحول فرهنگی» را هم به همراه دارد؟



چگونگی تغییرات و تحولات فرهنگی

فرهنگ‌ها چگونه تغییر می‌کنند؟ عوامل مؤثر بر دگرگونی‌های فرهنگی کدام‌اند؟

فرهنگ‌ها با حرکتی آرام و تدریجی و در چارچوب مبانی ثابت خود، تغییر و تحول می‌پذیرند. فرهنگ‌های پویا و زنده، در پاسخ به نیازهای زمان و مکان خویش، دگرگونی‌های محیط خود را پذیرفته و بر تحولات محیطی تأثیر می‌گذارند. اگر فرهنگی، توانایی همراهی و همپایی با تحولات محیطی را نداشته باشد و به این نیازها پاسخ مناسب ندهد، دچار رکود و افول تدریجی می‌شود و نمی‌تواند به حیات اثربخش خود ادامه دهد.



▲ اولین اتوبوس با لاستیک توپ در خطوط بین شهری ایران

عوامل مؤثر بر تغییرات و تحولات فرهنگی

عوامل مؤثر بر تغییرات و تحولات فرهنگی عبارت‌اند از:

۱- نوجویی و نوآوری: یکی از ویژگی‌های خدادادی انسان، حس کنجکاوی و تعالی‌جویی است. این ویژگی، موجبات نوجویی، ابداع و نوآوری را در تمام عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی فراهم می‌آورد و عرصه‌های فرهنگی و جهان فرهنگی نیز براساس این ویژگی، دگرگون می‌شوند. این ویژگی، زمانی موضوع مطالعه

فرهنگی قرار می‌گیرد که عمومیت یابد و تقریباً همه افراد جامعه از این نوآوری متأثر شوند؛ مانند ورود تلفن همراه به زندگی فردی و اجتماعی ما و تأثیر آن بر فرهنگ جامعه.

۲- پذیرش اجتماعی: آن‌گاه که عنصر فرهنگی جدید، به واسطه نوجویی یا در اثر مبادلات فرهنگی با سایر فرهنگ‌ها، وارد فرهنگ می‌شود و مورد پذیرش عمومی قرار می‌گیرد، زمینه دگرگونی فرهنگی را فراهم می‌آورد. به عنوان مثال: استفاده از روش برگزاری انتخابات برای تغییر در نظام‌های سیاسی کشورها. اما اگر نوآوری‌هایی که به وسیله یک فرد و یا گروهی از افراد جامعه عرضه می‌شود، مورد توجه و تبعیت همگان قرار نگیرد، و به دست فراموشی سپرده شود، این نوآوری، باعث تحول فرهنگی نمی‌شود.

۳- **طرد اجتماعی و فرهنگی:** با ورود عنصر فرهنگی، برخی از عناصر ناکارآمد فرهنگ موجود، به ویژه در دو لایه نمادها و هنجارها، یا تغییر کرده و یا طرد شده و کنار گذاشته می‌شوند. هر یک از عوامل مذکور، می‌توانند در کوتاه مدت یا درازمدت، زمینه دگرگونی عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی را فراهم آورند. در این دگرگونی، لایه نمادها و لایه هنجارها سریع‌تر تغییر می‌پذیرند و می‌توانند زمینه تحول فرهنگی را فراهم آورند.



▲ سبک معماری ساختمان‌های قدیم و جدید در تهران

۴- **تلفیق و انطباق:** عنصر فرهنگی تازه وارد برای پذیرفته شدن در یک جامعه، مرحله‌ای را می‌گذراند و بر حسب نقش و اهمیتی که دارد، تأثیرات و تغییراتی را در عناصر هم‌جوار ایجاد می‌کند. ممکن است مدت زمانی طولانی (مثلاً) یک نسل یا بیشتر) لازم باشد تا بین عنصر تازه‌وارد و عناصر قدیم، سازگاری و انطباق مطلوب ایجاد شود.



▲ ورود اتومبیل به ایران در دوره قاجار

مثال: اگر ورود اتومبیل به ایران را به عنوان محصول فرهنگی تازه در نظر بگیریم، این نوآوری پس از مخالفت‌ها و طرفداری‌های چندین ساله، به تدریج وسایل نقلیه‌ای چون اسب، قاطر، درشکه، دلیجان و مشاغلی چون درشکه‌چی، نعلبند، علاف و ... را از صحنه نیازمندی‌های عمومی خارج کرد و به جای آن تأسیساتی چون گاراژ، پمپ بنزین، تعمیرگاه، اداره

راهنمایی و رانندگی و مشاغلی چون مکانیکی، پنچرگیری، صاف‌کاری و رانندگی را به وجود آورد. همچنین کلمات و اصطلاحاتی مانند ترافیک، ترمز، شوفر، راننده و... را رایج ساخت.

گفتگو کنید

چه نمادها و هنجارهایی را در زندگی ما ایرانیان می‌شناسید که در چند دهه گذشته از جامعه طرد شده و کنار گذاشته شده‌است؟ و چه نمادها و هنجارهایی را می‌شناسید که مجدداً از گذشته‌های دور، به زندگی امروز ما راه پیدا کرده‌اند؟





همان گونه که می‌دانید پیامبران الهی برای تغییر «فرهنگ غیرالهی» و شرک آلود مبعوث شده‌اند تا آن را به فرهنگ توحیدی و خدامحور تبدیل کنند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز این رسالت را به عهده داشت تا «فرهنگ جاهلیت» را به «فرهنگ توحیدی» تغییر دهد. به نظر شما «فرهنگ جاهلیت» در زمان پیامبر عزیز اسلام چه ویژگی‌هایی داشت؟ و کدام یک از این ویژگی‌ها با وجود تلاش پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله تا پس از رحلت ایشان ادامه یافت؟ چرا؟

تأخر فرهنگی چیست؟

تأخر فرهنگی^۱ به صورت‌های مختلف چون عقب‌ماندگی فرهنگی، واپس ماندگی فرهنگی یا دیرکرد فرهنگی نیز معنا شده است. تأخر فرهنگی نوعی عدم تعادل فرهنگی به حساب می‌آید و به معنای فاصله اجزای یک فرهنگ، از نظر آهنگ حرکت آنهاست، بعضی از عناصر فرهنگ، نظیر فنون

و ابزارهای مادی، زودتر از اندیشه‌ها و عقاید یا سازمان‌های اجتماعی دگرگون می‌شوند. به این ترتیب، در درون یک فرهنگ، اجزا از یکدیگر جدا و گاه بیگانه می‌شوند. در اثر این تغییر، نابسامانی و ناهماهنگی در مجموعه ترکیب فرهنگی به وجود می‌آید. عدم هماهنگی در تغییر عنصرهای یک ترکیب فرهنگی را، تأخر یا پس‌افتادگی فرهنگی می‌گویند.

چنان که قبلاً آموختید فرهنگ غیر محسوس، ریشه‌دارتر و عمیق‌تر است و نمی‌تواند به سرعت فرهنگ محسوس تغییر کند. ما می‌توانیم لباس و پوشاک، خودرو، لوازم خانگی، محل سکونت و... خود را به سرعت عوض کنیم و آخرین تکنولوژی را از کشورهای دیگر وارد کنیم، اما هرگز نمی‌توانیم با این سرعت، عقاید، ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی (فرهنگ غیر محسوس) خود را تغییر دهیم؛ زیرا این تحولات، سال‌ها طول می‌کشد و بسیار کند است؛ و براساس اصل «مقاومت فرهنگی»، پذیرفتن تغییر یا مقاومت در برابر آن، در تمام اجزا و عناصر فرهنگی به یک شکل و اندازه نیست. پذیرش تغییر در برخی بخش‌ها، مانند فرهنگ محسوس، زودتر و در فرهنگ غیر محسوس دیرتر صورت می‌گیرد. در نتیجه، در همه جوامع، نوعی ناهماهنگی میان اجزای تشکیل دهنده فرهنگ وجود دارد و بین این دو بخش، فاصله‌ای وجود دارد که اصطلاحاً به آن «تأخر فرهنگی» می‌گویند.

۱. Cultural Lag

تأخر فرهنگی را برای اولین بار، دانشمندی به نام «ویلیام آگبرن» مطرح کرد و آن را نوعی از پس افتادگی یا عقب ماندگی اجزا و عناصر فرهنگ غیر محسوس از فرهنگ محسوس دانست که در همه جوامع وجود دارد. سازش و تطابق اجتماعی و فرهنگی به دو شکل قابل تصور است: یکی سازش و تطابق انسان با فرهنگ، و دیگری هماهنگی و سازش میان قسمت‌های مختلف یک فرهنگ.

تأخر فرهنگی در کشورهای کمتر پیشرفته، بیشتر و در کشورهای پیشرفته و صنعتی، کمتر است. یکی از دلایل بروز این وضعیت، به سرعت و تقدم و تأخر زمانی صنعتی شدن کشورها باز می‌گردد، یعنی چون کشورهای پیشرفته، سال‌هاست صنعتی شده‌اند (انقلاب صنعتی در قرن هجدهم در اروپای غربی صورت گرفته است) و مردم از ابتدا و گام به گام، با انواع ابداعات و اختراعات و فناوری آشنا شده و در جریان توسعه آنها قرار داشته و با آنها رشد کرده‌اند، در نتیجه فرصت بیشتری یافته‌اند تا افکار، شیوه زندگی و الگوهای رفتاری خود را متناسب با تغییرات تکنولوژیکی همراه کنند. در حالی که در کشورهای دیگر، وضعیت بدین گونه نبوده و هر محصول یا کالایی، پس از آنکه تقریباً تکمیل شده، به یکباره وارد و در اختیار مردم قرار گرفته است، بدون اینکه مردم با روند تکاملی آنها رشد کرده باشند؛ از دوچرخه تا چرخ خیاطی، از ماشین سواری تا ماشین لباسشویی و ظرفشویی و... به عبارتی هنوز با وسیله‌ای درست آشنا نشده‌اند که وسیله جدیدتری به بازار آمده است؛ در نتیجه، فرصت نداشته‌اند که افکار و الگوهای رفتاری خود را با این تغییرات هماهنگ کنند؛ مثلاً ممکن است فردی با آنکه دارای آخرین مدل ماشین است، روی خط عابر پیاده بایستد، به علائم راهنمایی توجه نکند و به حقوق دیگران اهمیت ندهد، یعنی کالای جدید را به دست آورده اما فرهنگ راهنمایی و رانندگی را کسب نکرده است.

این پدیده در مورد رفتار مردم شهرهای مختلف یک کشور نیز وجود دارد؛ بدین معنی که مردم یک شهر چون زودتر با تکنولوژی وارداتی آشنا شده‌اند، «تأخر فرهنگی» شان، در مقایسه با

سایر شهرها کمتر است. «تأخر فرهنگی» در همه کشورهای جهان وجود دارد و منحصر به فرهنگ و جامعه‌ای خاص نیست و فقط میزان و نسبت میان آنها متفاوت است.

تحقیق کنید

با گسترش ساخت آپارتمان‌ها و مجتمع‌های مسکونی، مناسبات انسانی در این مجموعه‌ها، تغییر کرده است. از منظر تأخر فرهنگی، پدیده آپارتمان‌نشینی و فرهنگ آن را، تجزیه و تحلیل کرده و نتیجه را در کلاس گزارش دهید.





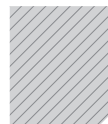
◆ چرا ارتباطات فرهنگی میان جوامع مهم است؟

تعدادی از دوستانتان را در نظر بگیرید؛ این افراد از چه گروه‌های سنی هستند و چه ویژگی‌های فرهنگی دارند؟
باورها، اخلاق و رفتار دوستانه هر یک از شما، چه تأثیر فرهنگی بر دیگران می‌گذارد؟
اگر روزی، به هر دلیل، با دوستان صمیمی و اقوام نزدیک خود، قطع رابطه کنید، چه تأثیرات فرهنگی خواهد داشت؟

ارتباط، یک کنش اجتماعی و یک رفتار بنیادین انسانی است و بی‌وقفه ادامه دارد. ارتباطات، بین فردی و بین گروهی، ما را به شبکه گسترده انسان‌ها و ساکنان زمین پیوند می‌دهد. این شبکه از خانواده آغاز می‌شود و به شبکه دوستان می‌رسد و روزبه‌روز گسترش می‌یابد و امروزه با استفاده از رسانه‌های جمعی، به کل جامعه و سراسر جهان تسری می‌یابد. انسان، موجودی اجتماعی است و هویت او، در پرتو این ارتباطات شکل می‌گیرد. ما برای برآورده شدن نیازهای روزمره خود، باید ارتباط برقرار کنیم. هیچ‌کس نمی‌تواند بدون برقراری ارتباط با دیگران، زندگی مناسب و خوبی را برای خود تدارک ببیند و همه نیازهای خود را به تنهایی برطرف کند. نحوه تکوین هویت ما، به میزان و چگونگی برقراری ارتباطات ما و ساختن شبکه‌های ارتباطی وابسته است. هرچه ارتباط ما با دیگران، آگاهانه‌تر، دقیق‌تر، صمیمی‌تر و صادقانه‌تر باشد، موفقیت ما فزون‌تر و پایدارتر خواهد بود.

یادگیری و شکل‌گیری آگاهی و شخصیت انسان، در اجتماع و از طریق ارتباط با «دیگران» انجام می‌شود. «دیگران»، شامل پدر و مادر، اعضای خانواده، دوستان، اهالی محله و سایر جوامع است. هرچه دامنه «دیگران» گسترده‌تر و متنوع‌تر و درچارچوب مبانی و اصول باشد، رشد شخصیت و تعالی فرهنگ، فزون‌تر خواهد بود. انسان سالم، انسانی است که توانایی برقراری ارتباط سالم با «دیگران» را دارد. انسان‌های منزوی و فاقد روابط اجتماعی، از آرامش و آسایش لازم در زندگی فردی و اجتماعی برخوردار نیستند و در معرض انواع بیماری‌ها و آسیب‌های روانی و اجتماعی قرار دارند. گروه‌های اجتماعی و جهان اجتماعی هم از این قاعده تبعیت می‌کنند. گروه‌های موفق، گروه‌هایی هستند که با رعایت مبانی و اصول فرهنگی خویش، توانایی برقراری ارتباط با «دیگران» را دارند.

مهارت‌های ارتباطی کدام‌اند؟ برای برقراری یک ارتباط مؤثر و موفق، چه مهارتی را باید کسب کرد؟ و چه اصول و ضوابطی را باید رعایت کرد؟ آسیب‌های ارتباطات بی‌قید و شرط کدام‌اند؟



ارتباط اجتماعی، عامل و زمینه‌ساز فرهنگ است. تعالی و تکامل فرهنگ، به ارتباطات اجتماعی وابسته است. ارتباط اجتماعی، شالوده حیات اجتماعی و فرهنگی است و بدون آن هیچ‌یک از عناصر جهان اجتماعی پدید نمی‌آید.

ارتباطات فرهنگی بین افراد و جهان‌های اجتماعی از دیرباز به صورت‌ها و روش‌های مختلف انجام می‌شده است. در گذشته، چادرنشینان کوچ‌رو، فروشندگان دوره‌گرد، مبلغان مذهبی، جنگجویان فاتح، بازرگانان و تاجران، گردشگران و مسافران و... همه و همه، فرهنگ و آداب و رسوم خویش را به «دیگران» عرضه می‌کردند و متقابلاً فرهنگ «دیگران» را به جامعه خویش انتقال می‌دادند. اما امروزه، با پیشرفت و گسترش رسانه‌ها و فناوری‌ها و سهولت ارتباطات و انتقال پیام، و نیز آسان شدن رفت و آمدها بین افراد و ملت‌ها، فرهنگ‌های مختلف به یکدیگر نزدیک‌تر شده و داد و ستدها و «روابط فرهنگی»، گسترش و عمق بیشتری پیدا کرده است. در سازمان‌ها و مؤسسات (اعم از مؤسسات آموزشی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و...) افراد با فرهنگ‌های

مختلف در کنار هم کار و زندگی می‌کنند و به مبادله فرهنگ می‌پردازند. برخلاف گذشته، انسان‌های امروزی، کمتر به زمین و محل سکونت خود وابسته‌اند و به راحتی تغییر مکان می‌دهند. جابه‌جایی جمعیت و مهاجرت در سطوح مختلف، زمینه‌ساز انتقال فرهنگ و مبادلات فرهنگی است. مهاجرت از روستاها به شهرها، از شهرهای کوچک به کلان شهرها، از یک کشور به سایر کشورها و... از پدیده‌های فرهنگی و اجتماعی است که در عصر جدید و زندگی مدرن، تشدید شده است و پیامدهای فرهنگی خاص خود را به همراه آورده است.

بررسی کنید

پدیده «کار فصلی» و مهاجرت از روستا به شهر را از منظر فرهنگی بررسی کرده و آثار مثبت و منفی آن را تجزیه و تحلیل کنید.



ارتباطات فرهنگی چگونه انجام می‌شود؟

ارتباطات فرهنگی در گذشته، چگونه بوده است؟ آیا می‌توانید نمونه‌هایی از روابط فرهنگی میان کشورمان با سایر کشورها در گذشته را بیان کنید؟ در دنیای امروز شکل ارتباطات فرهنگی میان جوامع چگونه است؟ آیا همه این روابط در یک موازنه برابر و آزادانه صورت می‌گیرد و یا در برخی موارد، به صورت نابرابر و با هدف سلطه‌گری و حذف فرهنگ‌های بومی و ملی کشورها انجام می‌شود؟

روابط و مناسبات بین اقوام، گروه‌ها و ملت‌ها، از دیرباز تاکنون، به شیوه‌های مختلف و در تمام حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برقرار بوده است و اقوام و ملت‌ها به روش‌های گوناگون، گاه مثبت و سازنده و گاه منفی و مخرب، باهم داد و ستد داشته‌اند. تعاملات و ارتباطات فرهنگی را می‌توان در چهار روش به شرح زیر طبقه‌بندی کرد:



▲ نامه زیگموند سوم شاه لهستان به شاه عباس اول



▲ مراسم بین المللی بزرگداشت ششمین سالگرد تولد جامی در دانشگاه ملی تاجیکستان

الف) اشاعه فرهنگی

اشاعه فرهنگی به معنای سرایت عناصر فرهنگی از یک جامعه به جامعه دیگر به صورت طبیعی و در گذر زمان است. این روش، یکی از راه‌های انتقال عناصر فرهنگ میان جوامع بوده است. مردم و ملت‌ها، با فرهنگ‌های مختلف، در کنار هم زندگی کرده و با یکدیگر در ارتباط بوده‌اند. از سوی دیگر، فرهنگ و عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی نیز قابلیت انتخاب و الگوپذیری دارند؛ بنابراین، اشاعه فرهنگی نیز در طول تاریخ و به طور مداوم رخ داده و تاکنون ادامه یافته است. آداب و رسوم، سنت‌ها، روش‌ها، قصه‌های عامیانه، ابزار، محصولات و کالاها ممکن است توسط افراد یک جامعه، به صورت طبیعی به سایر جوامع سرایت کرده و در آن شیوع پیدا کند.

اشاعه فرهنگی، همواره تحت تأثیر دو عامل «تمایل» و «ارتباط» بوده است: برقراری ارتباط با «دیگران» و علاقه به پذیرش عناصر فرهنگی آنان. جهان‌های اجتماعی، توانایی «وام» گرفتن عناصر فرهنگی از سایر فرهنگ‌ها را دارند. زمانی که دو خرده فرهنگ، و یا دو قوم و یا دو گروه با مذهب و اعتقادات مختلف، در کنار هم زیست می‌کنند، عناصری از فرهنگ «دیگری» را، که با بنیان‌های فرهنگی و علائق خود سازگار می‌بینند، به صورت طبیعی، در فرهنگ «خودی» پذیرفته و اشاعه می‌دهند.

اشاعه فرهنگی، یکی از عوامل تغییر و تحول نظام فرهنگی است. در اشاعه، قوت و جذابیت یک فرهنگ یا مؤلفه فرهنگی سبب می‌شود که دیگران با آزادی و انتخاب خود، به سوی آن فرهنگ یا مؤلفه برتر گرایش پیدا کنند و آن را بپذیرند. اشاعه فرهنگ هم می‌تواند مثبت و باعث رشد فرهنگی شود و هم می‌تواند منفی و آسیب‌زا باشد؛ برای مثال: وجود واژگانی چون شیمی، الکل، جبر و الگوریتم (که اشکال فرنگی شده اصطلاحات سیمیا، الکحول، الجبرا و الخوریزم یا الگوریتم هستند) در مجموعه اصطلاحات علوم طبیعی، از نشانه‌های اشاعه فرهنگ مسلمانان در اروپاست که به صورت طبیعی به آنجا منتقل شده است.

بررسی و گفتگو کنید



▲ شهردار مجبهدر اروپا

گسترش «حجاب و پوشش اسلامی» در کشورهای اروپایی چرا اتفاق می‌افتد؟ علت استقبال زنان و دانشجویان غربی از این نوع پوشش چیست؟ چرا برخی از حکومت‌ها و دولت‌های اروپایی از ورود دانشجویان محجبه به دانشگاه‌ها جلوگیری می‌کنند؟

♦ (ب) تبادل فرهنگی

زمانی که دو نفر با هم گفتگو و معاشرت می کنند، از کلمات و واژگان، تفکر و اندیشه، سبک زندگی و روش گفتگوی یکدیگر اثر می پذیرند و برهم اثر می گذارند. همچنین، زمانی که دو گروه یا دو قوم باهم ارتباط برقرار می کنند، به صورت آزادانه و در یک فرایند عادی، از اندیشه، فکر و رفتار یکدیگر اثر می پذیرند و جهان فرهنگی آنها نیز بر یکدیگر اثر می گذارد. بدین ترتیب

در این ارتباط آزاد و دوسویه، عناصری از یک فرهنگ، بدون هیچ اجبار و الزامی به فرهنگ دیگر منتقل می شود. اگر این تأثیرات در یک فرایند دوسویه انجام شود و فرهنگ‌ها، با شناسایی عناصر مثبت و منفی فرهنگ مقابل، عناصر مطلوب خود را اخذ و وارد فرهنگ کنند، تبادل فرهنگی اتفاق می افتد. در تبادل فرهنگی، هیچ گونه نابرابری اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، بین دو گروه و بین دو فرهنگ وجود ندارد و معمولاً مفروضات اساسی، اعتقادات و ارزش‌های فرهنگی حفظ می شوند و فرهنگ محسوس و نمادها و هنجارها، در چارچوب همین عقاید و باورها، مبادله شده و باعث رشد فرهنگی می شوند.

تبادل فرهنگی، امری مثبت است و باعث پالایش و زایش فرهنگی و ادامه حیات فرهنگ می شود و از رکود و واپس ماندگی فرهنگی جلوگیری می کند. جهان‌های فرهنگی که توانایی برقراری ارتباط با «دیگران» را ندارند و یا از برقراری مبادلات فرهنگی نگران‌اند، رویش فرهنگی نخواهند داشت و زوال و نابودی فرهنگی، آنان را تهدید خواهد کرد. به ویژه در عصر حاضر که «عصر ارتباطات و اطلاعات» است، تعاملات و تبادلات فرهنگی، بیش از پیش، ضروری است و تمام جوامع می توانند از یافته‌های بشری که متعلق به «همگان» است، بهره‌مند شوند. کشورها نمی توانند مرزهای فرهنگی و فکری خود را بر روی دیگران ببندند.

برای مثال در دوره‌ای که تمدن اسلامی در اوج شکوفایی خود بود، دانشجویان اروپایی به کشورهای اسلامی سفر می کردند تا از حکمت، فلسفه و دانش کشورهای مسلمان بهره ببرند. بدین ترتیب، علوم طبیعی و اجتماعی از جهان اسلام به اروپا انتقال یافت. بعد از شکل‌گیری دوره جدید در غرب و قدرت یافتن فرهنگ اروپایی، جریان مبادله فرهنگی برعکس شد و این بار دانشجویان کشورهای اسلامی، برای فراگیری علوم، توسط دولت‌های کشورهای اسلامی به اروپا اعزام شدند.

تجزیه و تحلیل کنید

حدیث پیامبر اکرم ﷺ در زمینه علم‌آموزی از دیگران را که فرمودند: «أُطْلَبُ الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّيْنِ»، از منظر تبادل فرهنگی تجزیه و تحلیل کنید.





محل زندگی شما مهاجرپذیر است یا مهاجر فرست؟ در محل سکونت شما چه اقوامی زندگی می کنند و چه خرده فرهنگ‌هایی دارند؟ مهاجران و اقوام مختلف چه عناصری را اشاعه می دهند؟ تبادل فرهنگی بین آنها چگونه اتفاق می افتد؟

پ) سلطه فرهنگی

سلطه فرهنگی عبارت است از: «هجوم و سرایت یک‌جانبه عناصر و پدیده‌های فرهنگی از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر». گروه سلطه‌گر، با استفاده از توانمندی‌ها و برتری‌های خود و با تکیه بر قدرت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و حتی نظامی خویش، در صدد است باورها و ارزش‌های خود را در بین فرهنگ دیگران اشاعه دهد و آنان را به پذیرش فرهنگ خود، متقاعد یا وادار سازد و در نهایت، هویت فرهنگی گروه مقابل خود را تضعیف، تحریف و نابود کند.

سلطه‌گران فرهنگی، برای گسترش نفوذ فرهنگ خویش، از «هجوم فرهنگی» استفاده می کنند. هجوم فرهنگی عبارت است از: «تلاش برنامه‌ریزی شده و سازمان‌یافته یک گروه یا یک جهان فرهنگی برای تحمیل باورها، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهای خویش بر سایر گروه‌ها و جهان‌های فرهنگی».

مهاجم فرهنگی، در صدد سلطه فرهنگی است. که از انواع دیگر سلطه‌ها، یعنی سلطه نظامی، سیاسی، اقتصادی، پیچیده‌تر و خطرناک‌تر است؛ زیرا سلطه فرهنگی، هویت یک ملت را نشانه می گیرد. او با زیبارایی و جذاب‌سازی فرهنگ خویش، سعی بر جلب نظر و اندیشه نیروهای رقیب می نماید تا آنان، با اختیار و انتخاب خود و یا با اجبار و اکراه، فرهنگ محسوس و فرهنگ غیر محسوس سلطه‌گر را بپذیرند.

در تهاجم فرهنگی، نظام سلطه در صدد است تا عناصری از فرهنگ خویش را، که در نگاه «دیگران»، ضدازش و غیرمقبول است، در بین آنان مقبول جلوه داده و ترویج کند تا بتواند در مسیر پیشرفت و توسعه آنان اختلال ایجاد کند؛ برای مثال، کشورهای اروپایی و آمریکایی، در ارتباطات خود با دیگران، کمتر تلاش کرده‌اند تا با برنامه‌ریزی و به صورت هدفمند، به ترویج روحیه «وقت‌شناسی»، «وجدان کاری» یا «کنجکاوی علمی» خویش در بین اقوام دیگر بپردازند، بلکه، با ابزارها و رسانه‌های خود، به ترویج «لابالی‌گری فرهنگی و جنسی» پرداخته‌اند. در حالی که در طول هزاران سال گذشته، پدیده لابالی‌گری، در بین اهالی مشرق زمین، ناپسند و ناهنجار بوده و آنان خود را ملزم به رعایت آداب و هنجارهای خاص می کرده‌اند و یا از انتقال دانش فنی و فناوری‌های برتر خود به سایر کشورها، جلوگیری به عمل می‌آوردند که نمونه آن در جلوگیری از فناوری‌های انرژی هسته‌ای و زیست‌فناوری و نانو، به کشورمان را شاهد هستیم.

فرهنگ غرب به ویژه در دوران جدید، نسبت به فرهنگ جوامع دیگر، موضعی سلطه‌گرانه داشته و کوشیده است تا با تخریب فرهنگ‌های دیگر، به بسط و گسترش عقاید فرهنگی خود بپردازد. پس از فروپاشی شوروی و شکست نظام کمونیسم در برابر نظام سرمایه‌داری و لیبرالیسم، باور به صحت و اعتبار اندیشه مدرنیسم، در بین

برخی از نظریه‌پردازان این مکتب و سیاستمداران آن تقویت شد. در نتیجه، از هر فرصت و ابزاری برای گسترش و حاکمیت اندیشه «لیبرال دموکراسی» در جهان استفاده کرده و می‌کنند.



امپریالیسم فرهنگی

مجموعه اقداماتی که موجب ایجاد و تقویت رابطه سلطه بین «سلطه‌گر» و «سلطه‌پذیر» می‌شود، «امپریالیسم» نامیده می‌شود. بر اساس این نظریه، ارزش‌ها و باورهای جوامع قدرتمند به گونه‌ای استعمارگرانه و فریبده و پنهان، بر جوامع ضعیف تحمیل می‌شود. امپریالیسم، اشکال مختلفی دارد و به شیوه‌های گوناگون، برای تأمین و حفظ منافع سلطه‌گران، عملیاتی می‌شود؛ مانند امپریالیسم سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی. امروزه، «امپریالیسم فرهنگی» در صدد سلطه انحصاری بر سایر کشورهاست تا از ظرفیت سلطه فرهنگی، برای سلطه سیاسی، اقتصادی و حتی نظامی استفاده کند و با تأمین منافع خویش، «استعمار جدید» را در سرزمین «سلطه‌پذیر» حاکم سازد. ترویج و گسترش مفاهیم «حقوق بشر»، «حقوق زنان» و نظایر آن، بر اساس بنیان‌های فکری و نظری غرب در جهان، و اجبار سایر کشورها به پذیرش این مفاهیم و تعاریف، نمونه‌هایی از امپریالیسم فرهنگی است.

انتقال فرهنگ کشور سلطه‌گر به کشور سلطه‌پذیر، علاوه بر اینکه مانع شکوفایی و توسعه و پیشرفت می‌شود، و زمینه وابستگی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آن را تقویت می‌کند، برای کشور سلطه‌پذیر، مشکلات به وجود می‌آورد.

بیندیشید

با توجه به راهبرد اسلام هراسی و ایران هراسی، که توسط امپریالیسم فرهنگی علیه کشور ما به کار گرفته شده است، برای خنثی سازی آن و اثربخش کردن ارتباطات و تعاملات فرهنگی، از کدام ویژگی‌های فرهنگی ایران و کدام روش‌ها می‌توان استفاده کرد؟



نظام سلطه در گذشته، از «قدرت سخت» برای گسترش نفوذ و کسب منافع خود استفاده می‌کرده است. اما در قرن اخیر از راهبرد «قدرت نرم» بهره می‌گیرد. قدرت نرم عبارت است از توانایی شکل‌دهی به باورها، گرایش‌ها و ترجیحات دیگران. قدرت نرم از نوع اقتناع و قدرت سخت از مقوله وادار و اجبار کردن است. قدرت نرم، به آن دسته از قابلیت‌ها و توانایی‌های یک جامعه گفته می‌شود که با ترویج ارزش‌های خود و القای غیرمستقیم آن، ارزش‌های جوامع دیگر را در راستای منافع خود تغییر می‌دهد. «قدرت یک رابطه روانی است بین کسانی که آن را به کار می‌برند و آنهایی که در معرض آن قرار می‌گیرند».

بررسی و تحقیق کنید



- ۱- دو نمونه از هجوم فرهنگی نظام سلطه علیه انقلاب اسلامی ایران در دهه‌های گذشته را بررسی و تجزیه و تحلیل کنید. باتوجه به سطوح و لایه‌های فرهنگ، این هجوم بیشتر معطوف به کدام لایه است؟ چرا؟
 - ۲- به چند گروه تقسیم شوید و هر گروه با انتخاب یکی از موضوعات زیر، در مورد تهاجم فرهنگی کشورهای سلطه‌گر علیه کشورهای اسلامی، تحقیق کند. سپس نتایج را در کلاس ارائه کنید.
- (انتشار کتاب آیات شیطانی اثر سلمان رشدی، جنگ نرم از طریق بازی‌های رایانه‌ای، ترویج عروسک باربی، تبلیغات ماهواره در مورد ترویج الگوهای خانواده و تشکیل خانواده‌های باز به سبک غربی، مک‌دونالدی شدن رستوران‌ها و فروشگاه‌های توزیع غذا، تولیدفیلم‌های هالیوودی و جذب استعدادهای برتر).



ت) دیپلماسی فرهنگی

اگر کشوری بخواهد با سایر کشورها ارتباط مفید و اثربخش داشته باشد چه باید بکند؟ از چه روش‌ها و امکاناتی می‌تواند استفاده کند؟



به اعتقاد صاحب‌نظران حوزه فرهنگ، دیپلماسی فرهنگی عبارت است از: مبادله ایده‌ها، اطلاعات، هنر، نحوه زندگی، نظام ارزشی و سنت‌ها و

اعتقادات، به منظور دستیابی به مفاهیم مشترک و تقویت تفاهم متقابل میان ملت‌ها و کشورها.

دیپلماسی فرهنگی، به عنوان ابزار سیاست خارجی، فرایند مؤثری است که دولت‌ها، با مشارکت مردم خود، آن را برای عرضه فرهنگ خویش به سایر ملت‌ها و کشورها به کار می‌گیرند و در میان انواع دیپلماسی‌های نوین، (دیپلماسی عمومی، دیپلماسی رسانه‌ای، دیپلماسی آموزشی، دیپلماسی اقتصادی و...) از اهمیت و جایگاه ویژه برخوردار است و از آن به عنوان «قدرت نرم» در سیاست خارجی یاد می‌کنند. با توجه به پدیده جهانی‌شدن و ضرورت ارتباط جهان‌های فرهنگی با یکدیگر، دولت‌ها برای مدیریت تعامل با سایر کشورها، از «دیپلماسی فرهنگی» استفاده می‌کنند. نظام سلطه، با طراحی و اجرای «پروژه جهانی سازی»، در صدد است تا فرهنگ و اندیشه خود را بر جهان حاکم کند، بنابراین، اساس دیپلماسی فرهنگی و گسترش آن در عصر جدید، بر نفی جهانی‌سازی و حاکمیت فرهنگ نظام سلطه بر جهان استوار است و با به رسمیت شناختن و احترام به فرهنگ‌های دیگر، زمینه تعاملات و تبادلات فرهنگی را بین کشورها فراهم می‌آورد.

دولت‌ها در دیپلماسی فرهنگی، به منظور تأمین منافع ملی و با استفاده از ابزارهای فرهنگی و با بهره‌مندی از ظرفیت بخش غیردولتی، به معرفی و انتقال فرهنگ و تمدن سرزمین خود به مردم سایر کشورها می‌پردازند. این امر موجب گسترش ارتباطات میان مردم کشورهای مختلف می‌شود و زمینه برقراری روابط مستحکم و دوستانه میان آنها را فراهم می‌آورد. دیپلماسی فرهنگی، برخلاف دیپلماسی سیاسی، الزاماً متکی و وابسته به دولت‌ها نیست و توسط دولت‌ها انجام نمی‌شود، بلکه بیشتر، ملت‌ها با استفاده از ابزارها و روش‌هایی مانند مؤسسات و تشکل‌های غیردولتی و نهادهای مدنی، میراث فرهنگی، جشنواره‌های بین‌المللی ورزشی، فرهنگی، هنری و... به ارتباطات فرهنگی باهم می‌پردازند. در تحقق دیپلماسی فرهنگی، دولت‌ها بیشتر نقش هدایت‌کننده و حامی را ایفا می‌کنند و از مزایای آن برای تأمین منافع ملی بهره می‌برند.

بیندیشید

کدام یک از محصولات و مؤلفه‌های فرهنگی استان شما، قابلیت انتشار در سایر کشورها را دارد و چگونه می‌توان از ظرفیت آنها برای حفظ و ارتقای منافع ملی استفاده کرد؟



دیپلماسی فرهنگی فطرت خواه

در پی حوادث فرانسه و انتشار تصاویر توهین آمیز به مقدسات اسلامی در یک نشریه فرانسوی و تشدید جریان ضد اسلامی و اسلام هراسی از سوی مقامات و رسانه های غربی، حضرت آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب

اسلامی، پیام مهمی خطاب به جوانان در اروپا و آمریکای شمالی ارسال نمودند. این پیام به زبان انگلیسی و سپس زبان های دیگر، منتشر شد. متن آن، به شرح زیر است:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

به عموم جوانان در اروپا و آمریکای شمالی

من شما جوانان را مخاطب خود قرار می دهم؛ نه به این علت که پدران و مادران شما را ندیده می انگارم، بلکه به این سبب که آینده ملت و سرزمینتان را در دستان شما می بینم و نیز حس حقیقت جویی را در قلب های شما زنده تر و هوشیارتر می یابم. همچنین در این نوشته به سیاستمداران و دولتمردان شما خطاب نمی کنم، چون معتقدم که آنان آگاهانه راه سیاست را از مسیر صداقت و درستی جدا کرده اند. سخن من با شما درباره اسلام است و به طور خاص، درباره تصویر و چهره ای که از اسلام به شما ارائه می شود. از دو دهه پیش به این سو - یعنی تقریباً پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی - تلاش های زیادی صورت گرفته است تا این دین بزرگ، در جایگاه دشمنی ترسناک نشانده شود. تحریک احساس رعب و نفرت و بهره گیری از آن، متأسفانه سابقه ای طولانی در تاریخ سیاسی غرب دارد. من در اینجا نمی خواهم به «هراس های» گوناگونی که تاکنون به ملت های غربی القا شده است، پردازم. شما خود با مروری کوتاه بر مطالعات انتقادی اخیر پیرامون تاریخ، می بینید که در تاریخ نگاری های جدید، رفتارهای غیرصادقانه و مزورانه دولت های غربی با دیگر ملت ها و فرهنگ های جهان نکوهش شده است. تاریخ اروپا و آمریکا از برده داری شرمسار است؛ از دوره استعمار سرافکننده است؛ از ستم بر رنگین پوستان و غیرمسیحیان خجل است. محققین و مورخین شما از خونریزی هایی که به نام مذهب بین کاتولیک و پروتستان و یا به اسم ملیت و قومیت در جنگ های اول و دوم جهانی صورت گرفته، عمیقاً ابراز سرافکنندگی می کنند.

این به خودی خود جای تحسین دارد و هدف من نیز بازگو کردن بخشی از این فهرست بلند، سرزنش تاریخ نیست، بلکه از شما می خواهم از روشنفکران خود پیرسید چرا وجدان عمومی در غرب باید همیشه با تأخیری چند ده ساله و گاهی چند صد ساله بیدار و آگاه شود؟ چرا بازنگری در وجدان جمعی، باید معطوف به گذشته های دور باشد نه مسائل روز؟ چرا در موضوع مهمی همچون شیوه برخورد با فرهنگ و اندیشه اسلامی، از شکل گیری آگاهی عمومی جلوگیری می شود؟

شما به خوبی می‌دانید که تحقیر و ایجاد نفرت و ترس موهوم از «دیگری»، زمینه مشترک تمام آن سودجویی‌های ستمگرانه بوده است. اکنون من می‌خواهم از خود بپرسید که چرا سیاست قدیمی هراس‌افکنی و نفرت‌پراکنی، این بار با شدتی بی‌سابقه، اسلام و مسلمانان را هدف گرفته است؟ چرا ساختار قدرت در جهان امروز مایل است تفکر اسلامی در حاشیه و انفعال قرار گیرد؟ مگر چه معانی و ارزش‌هایی در اسلام، مزاحم برنامه قدرت‌های بزرگ است و چه منافعی در سایه تصویرسازی غلط از اسلام، تأمین می‌گردد؟ پس خواسته اول من این است که درباره انگیزه‌های این سیاه‌نمایی گسترده علیه اسلام پرسش و کاوش کنید.

خواسته دوم من این است که در واکنش به سیل پیش‌داوری‌ها و تبلیغات منفی، سعی کنید شناختی مستقیم و بی‌واسطه از این دین به دست آورید. منطق سلیم اقتضا می‌کند که لااقل بدانید آنچه شما را از آن می‌گریزند و می‌ترسانند، چیست و چه ماهیتی دارد. اجازه ندهید ریاکارانه، تروریست‌های تحت‌استخدام خود را به‌عنوان نمایندگان اسلام به شما معرفی کنند. اسلام را از طریق منابع اصیل و مأخذ دست اول آن بشناسید. با اسلام از طریق قرآن و زندگی پیامبر بزرگ آن ﷺ آشنا شوید. من در اینجا مایلم بپرسم آیا تاکنون خود مستقیماً به قرآن مسلمانان مراجعه کرده‌اید؟ آیا تعالیم پیامبر اسلام ﷺ و آموزه‌های انسانی و اخلاقی او را مطالعه کرده‌اید؟ آیا تاکنون به جز رسانه‌ها، پیام اسلام را از منبع دیگری دریافت کرده‌اید؟ آیا هرگز از خود پرسیده‌اید که همین اسلام، چگونه و بر مبنای چه ارزش‌هایی طی قرون متمادی، بزرگ‌ترین تمدن علمی و فکری جهان را پرورش داد و برترین دانشمندان و متفکران را تربیت کرد؟

من از شما می‌خواهم اجازه ندهید با چهره‌پردازی‌های موهن و سخیف، بین شما و واقعیت، سد عاطفی و احساسی ایجاد کنند و امکان داوری بی‌طرفانه را از شما سلب کنند. امروز که ابزارهای ارتباطی، مرزهای جغرافیایی را شکسته است، اجازه ندهید شما را در مرزهای ساختگی و ذهنی محصور کنند. اگرچه هیچ‌کس به‌صورت فردی نمی‌تواند شکاف‌های ایجاد شده را پر کند، اما هریک از شما می‌تواند به قصد روشنگری خود و محیط پیرامونش، پلی از اندیشه و انصاف بر روی آن شکاف‌ها بسازد. این چالش از پیش طراحی شده بین اسلام و شما جوانان، اگرچه ناگوار است اما می‌تواند پرسش‌های جدیدی را در ذهن کنجکاو و جستجوگر شما ایجاد کند. تلاش در جهت یافتن پاسخ این پرسش‌ها، فرصت مغتنمی را برای کشف حقیقت‌های نو پیش روی شما قرار می‌دهد. بنابراین، این فرصت را برای فهم صحیح و درک بدون پیش‌داوری از اسلام از دست ندهید تا شاید به یمن مسئولیت‌پذیری شما در قبال حقیقت، آیندگان این برهه از تاریخ تعامل غرب با اسلام را با آزردهی کمتر و وجدانی آسوده‌تر به‌نگارش درآورند.

سیدعلی خامنه‌ای

۱/بهمن ۱۳۹۳



کارکرد فرهنگی رسانه‌ها

رسانه‌ها چگونه در تولید و انتقال فرهنگ، ایفای نقش می‌کنند؟

نقش رسانه‌ها در تحولات فرهنگی چیست؟ آیا تاکنون درباره واژگان، «عصر ارتباطات»، «انفجار اطلاعات»، «عصر رسانه‌ها» اندیشیده‌اید؟ این مفاهیم چه معنایی دارند و کارکرد فرهنگی و اجتماعی‌شان چیست؟ چه تأثیری بر دگرگونی‌های فرهنگی دارند؟



در درس گذشته، با دگرگونی‌های فرهنگی و عوامل مؤثر بر آنها آشنا شده‌اید. در عصر حاضر، انسان در دنیای رسانه‌ها زندگی می‌کند و دنیا را از دریچه رسانه‌ها ادراک می‌کند. ایجاد و گسترش رسانه‌ها (مانند روزنامه، پوستر، موبایل و...) و افزایش روزافزون دسترسی آسان به آنها، زمینه دستیابی به «جامعه جهانی» را فراهم آورده است. عنصر «رسانه»، بیش

از سایر عوامل، در دگرگونی‌های فرهنگی و اجتماعی نقش آفرینی می‌کند و عملکرد سایر عناصر را تحت الشعاع قرار داده است.

رسانه‌های جمعی، از پدیده‌های دوران مدرن و عصر جدید هستند که در تغییر و تحولات فرهنگی نقش تعیین‌کننده دارند؛ به گونه‌ای که عصر حاضر را «عصر ارتباطات» نام نهاده‌اند. در این دوره، میزان و چگونگی ارتباط انسان‌ها با هم و نیز ارتباط جهان‌های فرهنگی با یکدیگر نسبت به گذشته، کاملاً متفاوت شده است.

در ابتدا، اختراع ماشین چاپ و گسترش کمی و کیفی انتشار کتاب و روزنامه‌ها و نیز اختراع رادیو و تلویزیون، مناسبات انسانی و فرهنگ حاصل از آن را دگرگون ساخته است. اما با انقلاب صنعتی و پیدایش رسانه‌های جدید، به‌ویژه با گسترش سریع شبکه‌های بین‌المللی اطلاعاتی - ارتباطی و فراهم آمدن قابلیت ذخیره، انتقال و انتشار حجم وسیعی از اطلاعات، وارد «عصر اطلاعات» شدیم؛ به گونه‌ای که در آن امکان هر نوع ارتباط، به‌ویژه گسترش فرهنگ‌ها و پیام‌های فرهنگی، بسیار بیش از پیش فراهم آمده است. با فروریختن مرزها و کوچک شدن جهان و گسترش ارتباطات، انسان معاصر در دهکده جهانی (اصطلاح «مک لوهان») زندگی می‌کند و جهان‌های اجتماعی و جهان‌های فرهنگی، بسیار به هم نزدیک و درهم تنیده شده‌اند.

رسانه‌ها، در فرایند ارتباطات و جابه‌جایی اطلاعات در درون و برون جامعه سهیم هستند، علاوه بر این می‌توانند در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی، به موازات تحولات عمیق در نهادهای مختلف، در دگرگونی باورها و ارزش‌های مسلم جامعه نیز کارساز باشند و به عنوان یک دانشگاه عمومی، در راستای تعالی و یا تخریب فرهنگ جامعه به فعالیت بپردازند.

امروزه با پیشرفت سریع و گسترده فناوری‌ها، رسانه‌ها، تعریف و کارکرد بسیار گسترده‌ای پیدا کرده‌اند و دیگر فقط به تلویزیون، رادیو، روزنامه، مجله و کتاب، منحصر و محدود نمی‌شوند. «رسانه‌های گروهی به‌ویژه رسانه‌های الکترونیکی» به دلیل سهولت دسترسی و بهبود کارکردهایشان، متأثر از روح حاکم بر فرهنگ غرب، به «رسانه‌های فردی» تبدیل شده‌اند و هر فرد به تنهایی می‌تواند از ظرفیت آنها استفاده کند. امروز، دامنه نفوذ رسانه‌ها گسترش یافته و به گسترده‌گی همه کشورها، شهرها، محله‌ها، کوچه‌ها و خانه‌هاست و همه جا حضور دارند.

◆ رسانه‌ها و خلق جهان‌های فرهنگی

رسانه‌ها تجلی بخش حضور فرهنگی، معنی‌آفرینی و محصول فناوری و خلاقیت انسان در عصر جدید و نیروی محرک و رکن اساسی جامعه پیشرفته هستند و خود به عنوان عامل اساسی فرهنگ نوین شناخته می‌شوند. گسترش و جهانی شدن رسانه‌ها، زمینه‌ساز گسترش و جهانی شدن فرهنگ است. رسانه‌ها با ارائه اطلاعات، در شکل‌گیری شخصیت فردی و اجتماعی و خلق جهان اجتماعی و جهان فرهنگی تأثیر فراوان دارند و قادر به ایجاد ارزش‌ها و هنجارهای جدید هستند. به همین دلیل، فعالیت رسانه‌ای، خود یک کنش فرهنگی محسوب می‌شود که زمینه تعامل و تبادل افکار و اندیشه‌ها را فراهم می‌آورد.

همچنین رسانه‌ها، نیروهای محرک در روند توسعه یک جامعه هستند که می‌توانند شرایط و زیرساخت‌های فکری - فرهنگی مناسب برای پیشرفت و توسعه، از قبیل ایجاد روحیه و مهارت کار گروهی، فرهنگ تفکر، فرهنگ کارآفرینی، قانون‌محوری، آینده‌نگری، انسجام ملی، فرهنگ صادرات، فرهنگ نظم و حسابگری را در جوامع رواج دهند. در واقع، رسانه‌ها ابزار اصلی انتقال اطلاعات و ایده‌ها در جوامع هستند و می‌توانند هر روز با خلق ایده و تفکری جدید و ترویج آن، به روند توسعه جامعه کمک کنند.

رسانه‌ها به دلیل جذابیت‌های صوتی - تصویری، از ظرفیت بالایی برای انتقال میراث فرهنگی و فراهم آوردن زمینه فرهنگ‌پذیری و اشاعه فرهنگی برخوردارند و امکان «رسانه‌ای کردن فرهنگ» را به وجود آورده‌اند. آشنایی با کارکرد رسانه‌ها و فهم پیام‌های آشکار و پنهان آنها، نیازمند برخورداری از «سواد رسانه‌ای» است. این سواد، به معنای توانایی و مهارت استفاده درست از رسانه‌هاست و آنان که از این سواد، بی‌بهره هستند، مقهور جاذبه‌های ظاهری و فریبنده رسانه‌ها شده و تسلیم پیام‌ها و فرهنگ حاکم بر آنها می‌شوند.

تحقیقات مختلف نشان می‌دهد که رشد اقتصادی، گسترش شهرنشینی، افزایش سوادآموزی، مشارکت سیاسی و پذیرش مسئولیت اجتماعی، با میزان دسترسی به رسانه‌ها، ارتباط مستقیم دارد و هرچه مبادله اطلاعات صحیح و معتبر، سریع‌تر انجام شود، دستیابی به توسعه و پیشرفت، امکان‌پذیرتر است. رسانه‌های جدید، تحولات گسترده و عمیقی را در زندگی فردی و اجتماعی ایجاد کرده و دگرگونی‌های فرهنگی را دامن زده‌اند. برخی از این تحولات عبارت‌اند از:

- ۱- امکان دسترسی گسترده به اطلاعات را برای عموم مردم به وجود آورده‌اند.
 - ۲- جمع‌آوری، انباشت و توزیع اطلاعات را سرعت بخشیده و محدودیت‌های زمانی و مکانی را از بین برده‌اند.
 - ۳- امکان بازتولید، پالایش و گسترش اطلاعات برای همگان را فراهم آورده و آنها را در تولید اطلاعات سهیم کرده‌اند.
 - ۴- دانش عمومی را در حوزه‌های مختلف معرفتی و علمی افزایش داده و آگاهی و توانایی مردم برای دستیابی به زندگی مناسب و دانش‌بنیان را فزونی بخشیده‌اند.
- این تحولات فرهنگی، زمینه‌پیدایش «جامعه اطلاعاتی» را تسهیل کرده است؛ جامعه‌ای که اساس آن بر تولید، توزیع و گردش اطلاعات بنا نهاده شده است و «اطلاعات» به مثابه یک سرمایه ارزشمند محسوب می‌شود.

حدیث الهام‌بخش حضرت علی علیه السلام در نهج‌البلاغه را از نظر فرهنگی تجزیه و تحلیل نمایید.
 «الرَّاضِي بِفِعْلٍ قَوْمٍ كَالدَّاحِلِ فِيهِ مَعَهُمْ وَ عَلَى كُلِّ دَاخِلٍ فِي بَاطِلٍ إِثْمَانٍ، اِثْمُ الْعَمَلِ بِهِ وَ
 اِثْمُ الرِّضَا بِهِ»

نهج‌البلاغه، حکمت ۱۵۴

آن که به کار کسانی خشنود است، چنان است که در میان کار آنان بوده است و هر که در باطلی پا نهاد دو گناه بر گردن دارد: گناه کردار و گناه خشنودی بدان کار.



درباره واکنش رسانه‌های خارجی درخصوص «فتح خرمشهر» در دوران دفاع مقدس، گزارشی تهیه کنید و در کلاس ارائه دهید. به نظر شما گزارش‌ها و روایت‌های رسانه‌های خارجی از این واقعه، چه تأثیری بر اذهان عمومی داشته است؟

◆ فناوری‌های نوین ارتباطی - اطلاعاتی

باپیدایش و گسترش فناوری‌های نوین ارتباطی - اطلاعاتی، زندگی انسان وارد عصر جدیدی شده است که تمام عناصر پیدا و پنهان آن، از جمله فرهنگ، را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. همان‌گونه که تلگراف، تلفن و راه‌آهن در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم باعث تحول چشمگیر در زندگی فردی و اجتماعی بشر شده است، فناوری‌های جدید نیز چشم‌انداز نوینی را فرا روی انسان گشوده است. اینترنت و سرویس‌های اصلی آن، مانند ایمیل، وب‌سایت، وبلاگ، فروم، چت‌روم، ماهواره، موبایل، شبکه‌های مجازی، نانو تکنولوژی، بیوتکنولوژی، فضای سایبری و دیجیتالی و... شرایط جدیدی را برای انسان معاصر فراهم آورده است که جهان اجتماعی و ارتباطات اجتماعی، فرهنگ و جهان فرهنگی او را با گذشته متفاوت کرده است. این فناوری‌ها، فرصت‌های زیادی را برای تولید و توزیع دانش و آگاهی مشترک، گرایش‌ها و عواطف مشترک، کنش‌ها و رفتارهای مشترک بین انسان‌ها به وجود آورده و زمینه تشکیل «جامعه شبکه‌ای» را فراهم کرده است.



در فضای مجازی، ارتباطات، عمدتاً به صورت غیر مستقیم صورت می گیرد و ارتباط رودررو، مشارکت گروهی و ارتباطات خانوادگی کمتر به چشم می خورد. در این فضا، افراد، در کنار هم، دست به کنش هایی می زنند که به تنهایی صورت می گیرد، اما ضمناً به همراه دیگران و به صورت دسته جمعی انجام می شود، بدون آنکه تنهایی هیچ کس خدشه دار شود. افراد، زمان فزون تری را به تنهایی می گذرانند و با دیگران صحبت کرده و

ارتباط سطحی برقرار می کنند و معمولاً این ارتباطات، به قیمت از دست دادن گفتگوهای چهره به چهره و ارتباطات فAMILI و دوستانه انجام می شود. در نتیجه، « فضای واقعی » به پس زمینه رانده می شود و « مجاز »، اهمیت و الویت می یابد. حال آنکه تعاملات انسانی، همدردی ها، خیر خواهی ها و گفتگوی مستقیم نیاز اصیل انسان است که در دنیای واقعی حاصل می شود. شبکه های اجتماعی، هویت یابی آحاد جامعه، به ویژه نسل جوان را در ابعاد فکری و اخلاقی، تحت تأثیر قرار داده و موجب « اعتیاد اینترنتی » و آسیب پذیری اجتماعی می شود.

بررسی و گفتگو کنید

به نظر شما، دانش آموزان دوره دبیرستان، چند ساعت از وقت خود را در فضای مجازی (تلفن همراه، اینترنت و...) سپری می کنند؟ این حضور، چه تأثیری بر فعالیت های آموزشی و پژوهشی کاربران دارد؟ چه تأثیری بر مناسبات فرد با خانواده و دوستانش بر جای می گذارد؟ با رویکرد فرهنگی، حضور در فضای مجازی را تجزیه و تحلیل کرده و فرصت ها و تهدیدهای آن را مشخص کنید.

یکی از مهم ترین محورهای جامعه اطلاعاتی، «شاهراه های اطلاعاتی» است که به دلیل قابلیت یکپارچه سازی متن، تصویر و صدا، در یک سیستم و شبکه جهانی، ماهیت ارتباطات را دستخوش دگرگونی های بنیادین ساخته است و از آنجا که ارتباطات، نقش تعیین کننده ای در شکل دهی فرهنگ دارد، فرهنگ نیز به تبع دگرگونی های فناورانه جدید، دگرگونی بنیادی دیگری را از سر گذرانده و فرهنگ نوینی در حال ظهور است. در چنین جامعه ای، استاندارد زندگی، الگوهای کار و فراغت، نظام آموزشی، بازار کار و... به گونه ای کاملاً محسوس، تحت الشعاع پیشرفت های فناورانه قرار می گیرد.

زندگی در «اتاق شیشه‌ای» در عصر رسانه‌ها به چه معناست؟ «حریم خصوصی» در فضای مجازی، چه معنا و مفهومی دارد؟ و چگونه می‌توان از حریم خصوصی خود مراقبت کرد و وارد حریم خصوصی دیگران نشد؟

◆ سواد رسانه‌ای^۱ و تحولات فرهنگی

«سواد رسانه‌ای» به چه معناست؟ ضرورت کسب سواد رسانه‌ای، در دنیای امروز چیست؟ این دانش، شامل چه مهارت‌ها و کارکردهایی است؟ آیا می‌توان با استفاده از این مهارت، به تحلیل فرهنگی و حل مسائل فرهنگی پرداخت؟ در سال دهم در کتاب سواد رسانه‌ای، با مفهوم «سواد رسانه‌ای» و کارکردهای آن آشنا شدید. همچنان که آموختید، سواد رسانه‌ای، مجموعه‌ای از مهارت‌های قابل یادگیری است که به توانایی دسترسی، تجزیه و تحلیل و ایجاد انواع پیام‌های رسانه‌ای اشاره دارد و یک مهارت ضروری در دنیای امروزی به شمار می‌رود. برای حرکت در محیط رسانه‌ای پیچیده امروز، باید قادر به درک بهتر پیام‌های رسانه‌ای، تجزیه و تحلیل، ارزشیابی و پردازش اطلاعات باشیم.



▲ بازی کامپیوتری اساسین کرید



افراد، با کسب سواد رسانه‌ای، قادر به رمزگشایی از اهداف رسانه‌ها و کشف پیام‌های پیچیده موجود در محتوای تلویزیون، رادیو، روزنامه‌ها، مجلات، کتاب‌ها، بیلبوردهای تبلیغاتی، اینترنت و سایر رسانه‌های مستقل خواهند شد. آنها همچنین می‌توانند رسانه‌های خود را ایجاد کرده و در شکل‌گیری فرهنگ رسانه‌ای، مشارکت فعالانه داشته باشند، این امر سبب می‌شود مردم از حالت مصرف‌کننده منفعل خارج شده، و از رسانه‌ها به صورت هوشمندانه بهره‌مند شوند. سواد رسانه‌ای می‌تواند به افراد جامعه کمک کند تا:

- ۱- مهارت استفاده از فناوری‌های ارتباطی را به دست آورده و چگونگی ایجاد پیام‌های رسانه‌ای را درک کنند.
- ۲- آنچه را که رسانه‌ها می‌خواهند ما را به باور آن برسانند، تشخیص بدهند.
- ۳- تعصبات، اطلاعات غلط و دروغ‌های رسانه‌ای را تشخیص بدهند.
- ۴- مسائل فرهنگی را تشخیص داده و مهارت لازم برای حل آن‌ها را به دست آورند.
- ۵- پیام‌های رسانه‌ای را براساس تجربیات خود، باورها و ارزش‌هایشان ارزیابی و تجزیه و تحلیل کنند.
- ۶- پیام‌های رسانه‌ای خود را طراحی، ایجاد و پخش کنند.

سواد رسانه‌ای یکی از مهارت‌های مهم زندگی در عصر حاضر است. کسب این سواد، ما را در مقابله با امپریالیسم رسانه‌ای و برنامه‌های تهاجم فرهنگی نظام سلطه یاری می‌کند.

بررسی و گفتگو کنید

- ◆ در تبلیغات دینی، بیشتر از چه رسانه‌هایی استفاده می‌شود؟ نقاط قوت و ضعف این رسانه‌ها کدام است؟
- ◆ آیا می‌توانید نمونه‌هایی از بازی‌های رایانه‌ای، فیلم‌ها، انیمیشن‌ها و کارتون‌هایی که توسط جهان غرب و صهیونیست‌ها علیه جوامع اسلامی ساخته می‌شود را نام ببرید و ابعاد ضد اسلامی و ضدایرانی و روش به کار رفته در آنها را بررسی کنید؟ در صورت تمایل، با چند نفر از کاربران این بازی‌ها مصاحبه کنید و تأثیرات بازی‌ها را بر روحیه و اخلاق آنها بررسی کنید.
- ◆ جشنواره‌های مردمی بازی‌های رایانه‌ای با چه هدفی برگزار می‌شود؟ نقش سواد رسانه‌ای در تولید این بازی‌ها چیست؟



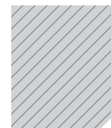
◆ امپریالیسم رسانه‌ای

در عصر حاضر، که عصر جهانی‌شدن اقتصاد، سیاست، فرهنگ و ارتباطات است، رسانه‌ها به اصلی‌ترین و کارآمدترین ابزار در دست سرمایه‌داری تبدیل شده‌اند و آنان با «امپریالیسم رسانه‌ای» درصدد حاکمیت بخشی از لایه‌های سطحی فرهنگ غربی در سایر کشورها و ملت‌ها هستند.

سرمایه‌داری غربی با استفاده از ابزار تأثیرگذار رسانه و عنصر کلیدی آن، یعنی تبلیغات، سعی در یکسان‌سازی فرهنگی در همه ابعاد مادی و معنوی فرهنگ سایر ملل دارد.

تعدادی از رسانه‌های بزرگ و جهانی، که وابسته به نظام سلطه هستند، به روش‌های مختلف، سعی در ایجاد و ترویج یک فرهنگ خاص دارند و در مواجهه با سایر فرهنگ‌ها، برای گسترش و ارتقای فرهنگ غرب و نفی فرهنگ غیرغربی تلاش می‌کنند. به بیان دیگر، رسانه‌ها در رویارویی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، بی‌طرف نیستند و برای گسترش و اشاعه فرهنگ و پیام خاص ایجاد شده فعالیت می‌کنند. به همین دلیل، غرب، برای نیل به اهداف و مقاصد خویش، از میان گزینه‌های ممکن، تسلط بر شبکه ارتباطی را به‌عنوان برترین و مؤثرترین گزینه استراتژیک خود برگزیده است.

مارشال مک لوهان: «جنگ‌هایی که در آینده رخ می‌دهد به وسیله تسلیحات جنگی و در میدان‌های نبرد نخواهد بود، بلکه این جنگ‌ها به دلیل تصویری رخ خواهد داد که رسانه‌های جمعی به مردم القا می‌کنند».



برخی حکومت‌ها و دولت‌های قدرتمند، با سوء استفاده از ظرفیت‌های بالای رسانه‌ها، درصدی به انحصار در آوردن تولید و توزیع اطلاعات هستند. آنان تلاش می‌کنند با بهره‌گیری از آخرین یافته‌های علمی و پژوهشی، و با برخورداری از آخرین دستاوردهای تکنولوژیک، باورها، اندیشه‌ها، گرایش‌ها و فرهنگ «دیگران» را تغییر داده و با ارزش‌ها

و فرهنگ خویش همراه و هماهنگ کنند و با «مهندسی ذهن» دیگران، ایشان را به راهی بخوانند که خود می‌خواهند. این عملکرد نظام سلطه، می‌تواند منجر به بروز پدیده‌ای در سطح ملی یا بین‌المللی شود که از آن به «استبداد اطلاعاتی» تعبیر می‌شود. استبداد اطلاعاتی، در واقع، شکل تازه‌ای از استبدادهای سنتی است که در گذشته در قالب‌های نظامی و سیاسی وجود داشته است. امروزه تراست‌های بزرگ اطلاعاتی و کارتل‌های عظیم رسانه‌ای شکل گرفته است که با اتکا به قدرت تکنولوژیکی، به ارائه تصویری مخدوش از حکومت‌ها، فرهنگ‌ها، اقوام و ادیان رقیب می‌پردازند و به صورت نظام‌مند و هماهنگ، در جهت‌دهی افکار عمومی جهانی و شکل‌گیری عقاید و گرایش‌ها و واکنش‌های موردنظر خود، تلاش می‌کنند.

تحقیق کنید

- ◆ درباره «مرداک» غول رسانه‌ای جهان چه می‌دانید؟
- ◆ نقش مخرب وی در تهاجم به فرهنگ‌های مستقل و آزادی‌خواه و گسترش امپریالیسم فرهنگی چیست؟

امپریالیسم رسانه‌ای، درصدی است با تشکیل امپراطوری فرهنگی - رسانه‌ای، هویت‌های فرهنگی، ملی و دینی سایر ملت‌ها را تغییر داده و بخش‌هایی از فرهنگ خود را جایگزین آن‌ها نماید. به همین دلیل، «جنگ رسانه‌ای» به عنوان برجسته‌ترین جنبه جنگ نرم، مورد توجه امپریالیسم رسانه‌ای قرار گرفته است. جنگ رسانه‌ای، تنها جنگی است که حتی در زمان صلح نیز بین کشورها به صورت غیر رسمی ادامه دارد و هر کشوری با استفاده از ظرفیت رسانه‌ای خویش، برای پیشبرد اهداف سیاسی و فرهنگی خود از آن بهره می‌گیرد. سربازان جنگ رسانه‌ای، متخصصان تبلیغات، کارشناسان جنگ روانی و کارگزاران رسانه‌ها هستند. استراتژی طراحی شده

توسط آمریکا، پیش از حمله نظامی به عراق، نمونه برجسته‌ای از جنگ رسانه‌ای به موازات جنگ نظامی به شمار می‌رود. خبرنگارانی که در اردوگاه نیروهای آمریکایی و انگلیسی حضور داشتند و اخبار جنگ را از دریچه دوربین خود، و البته از منظر منافع مهاجمان، به جهان مخابره می‌کردند، سربازان «جنگ رسانه‌ای» جدید بودند. مردمی که زیر بمباران جنگ رسانه‌ای قرار می‌گیرند، ممکن است خود، از وجود جنگ سنگینی که در فضای فرهنگی آنان جریان دارد بی‌اطلاع باشند، اما کارگزاران این جنگ، فرهنگ و باورها، گرایش‌ها و رفتارهای ایشان را نشانه گرفته‌اند. هدف جنگ رسانه‌ای، اگر چه در نهایت تغییر کارکرد و عملکرد دولت‌هاست، اما به طرز ملموسی به جای هدف قراردادن مستقیم دولت‌ها، ملت‌ها را هدف بمباران خود قرار می‌دهد و به تغییر و تحولات فرهنگی در جوامع می‌اندیشد تا بتوانند حکومت‌های دست‌نشانده خود را به قدرت برسانند.

تحقیق کنید

دو فیلم زیر را مشاهده و بررسی کنید و با مراجعه به نقدهایی که درباره آنها در شبکه‌های مجازی و مجلات تخصصی وجود دارد، میزگرد فرهنگی تشکیل داده و درباره آنها گفتگو کنید:

- ◆ فیلم «تولد یک پروانه» به کارگردانی مجتبی راعی. ساخت سال ۱۳۷۶. ایران
- ◆ فیلم «رهایی از شوشنگ» به کارگردانی فرانک دارابونت. ساخت ۱۹۹۴ میلادی





یکی از جلوه‌های امپریالیسم رسانه‌ای در جهان، امپریالیسم خبری است که از شکل‌های سلطه دنیای غرب بر جهان است. امپریالیسم خبری به معنی سلطه‌جویی انحصاری در نظام خبررسانی جهان است. امپریالیسم به‌طور تخصصی بر روی حجم، نوع، محتوا، کیفیت، کمیت، زمان و مکان یک خبر کار می‌کند. برای نخستین مرتبه واژه «امپریالیسم خبری» را رئیس‌جمهور فنلاند در گردهمایی کارشناسان ارتباطی یونسکو در دانشگاه تامپر فنلاند در سال ۱۹۷۱ به زبان آورد. امپریالیسم خبری کارکردهایی دارد؛ از جمله اینکه وابستگی فرهنگی ایجاد می‌کند و خبرها را متناسب با منافع خود نشر می‌دهد و با بکارگیری شگردهای هنری و روانشناسانه گاه سیاه را سفید و سفید را سیاه جلوه می‌دهد تا نظام سلطه به حیات خود ادامه دهد. پیامد مباران خبری امپریالیسم خبری، از خودبیبگانگی فرهنگی، تمدن وارداتی و بی هویتی است که با آخرین دستاوردهای تکنولوژی عرضه می‌شود.

امپریالیسم خبری همچنین به ارزش‌های خبری مطابق میل دست‌اندرکاران می‌پردازد و عمدتاً با طرح مسائل نمایشی و در حقیقت کم‌اهمیت، اذهان مخاطبان بین‌المللی خود را از پرداختن به حقایق موجود در جوامع تحت سلطه باز می‌دارد. پنج غول مطبوعاتی و خبری جهان یعنی خبرگزاری‌های آسوشیتدپرس، یونایتدپرس، رویتر، فرانسوپرس و ایتارتاس همگی زاینده رقابت‌های دوران استعماری دو قرن گذشته‌اند. امپریالیسم خبری، در عصر استعماری قرن گذشته، به کمک قدرت‌های بزرگ در تلاش بوده است تا در مناطق تحت نفوذ سیاسی و اقتصادی خویش، شبکه‌های خبری خود را بسط و گسترش دهند. هم‌اکنون در جهان بیش از ۱۲۰ خبرگزاری بزرگ و بین‌المللی، فعالیت دارند و هیچ‌یک از آنها به عنوان رقیبی برای این ۵ خبرگزاری و غول خبری نیستند.

بررسی و گفتگو کنید

- ◆ دو مورد از شایعاتی را که در سال‌های اخیر توسط امپریالیسم خبری در جامعه منتشر شده‌است نام ببرید و چگونگی القای آن را تجزیه و تحلیل نمایید.
- ◆ چگونه می‌توان جامعه را در برابر تهاجم امپریالیسم رسانه‌ای مصون ساخت؟

